

جنبه‌های حقوقی اصول حاکم بر فضای ماورای جو

همایون مافی*

وحید بذار**

چکیده

تا سال ۱۹۵۷، بشر سه منطقه را شناخته بود: زمین، دریا و هوا. پس از دسترسی انسان به فضای ماورای جو، تبیین نظام حقوقی آن، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. با توجه به بکر بودن حقوقی قلمرو فضای ماورای جو، ویژگی‌های بدیع آن شامل اعمال دو اصل عدم تخصیص و آزادی بهره‌برداری است. سازمان‌یافتگی آزادی‌های فضایی، آن‌ها را در چارچوب اصولی خاص تنظیم و تنسيق می‌کند. اصول خدشه‌ناپذیری چون آزادی فضای ماورای جو، استفاده از فضای ماورای جو برای اهداف صلح‌آمیز، آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو برای تمامی کشورها، ثبت تمامی اشیای فضایی، همکاری بین‌المللی در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، بر فعالیت‌های فضایی حاکم است. در حال حاضر اصول مذکور، مورد توافق کل جامعه بین‌المللی است و به طور مکرر در مصوبات سازمان ملل و معاهدات بین‌المللی فضایی مورد تصدیق قرار گرفته‌اند. این مقاله

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(نویسنده مسئول hmynmafi@yahoo.com)

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۱۴-۱۷۹

سعی دارد تا با تجزیه و تحلیل حقوقی اصول حاکم بر فضای ماورای جو، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که آیا این اصول توانسته‌اند چارچوب حقوقی مشخصی را برای نظام حقوقی فضای ماورای جو ترسیم کنند یا خیر؟
واژه‌های کلیدی: جنبه‌های حقوقی، اصول حاکم، فضای ماورای جو.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حقوق فضا یا ماورای جو به عنوان مبحث حقوقی جدید، هنگامی مطرح شد که انسان به این منطقه دست یافت، درست مانند حقوق دریایی و حقوق هوایی که به ترتیب در نیمه اول قرن نوزدهم با اختراع کشتی و در سال ۱۹۰۳ با پرواز برادران رایت (Wright) برای اولین بار، به جرگه حقوق بین‌الملل پیوستند. اسپوتنیک^۱، اولین موشکی بود که در چهارمین روز از دهمین ماه سال ۱۹۵۷ میلادی به وسیله شوروی، به فضا پرتاب شد و یک سال بعد، ایالات متحده آمریکا (با قمر اکسپلورر)^۲ به فضا دست یافت. پیشرفت غیرقابل انکار ماهواره‌ها در تمامی زمینه‌های زندگی بشر از جمله: نظامی، ارتباطات راه دور، ماهواره‌های پخش مستقیم، سامانه جست و جو و نجات ماهواره‌ای، هواشناسی، منابع نیروی هسته‌ای در فضا، استخراج منابع معدنی از اجرام آسمانی، کنترل هوانوردی^۳ و سنجش از راه دور قابل ملاحظه است. بشر هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که روزی بتواند چنین استفاده‌های مفیدی از فضا ببرد. مسایل حقوقی فضای ماورای جو، از همان سال‌های اولیه دستیابی بشر به فضا در مجامع بین‌المللی مطرح شد. سازمان ملل به عنوان فراگیرترین نهاد بین‌المللی، یک سال پس از دسترسی انسان به فضا (۱۹۵۸)، کمیته سازمان ملل متحد راجع به استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو را ایجاد کرد. این کمیته به سرعت به تنظیم مسایل حقوقی فضای ماورای جو و قانون‌مند کردن آن‌ها اقدام کرد، به طوری که از سال ۱۹۶۲ (که این مرجع و دو کمیته آن (کمیته حقوقی و کمیته فنی) عملاً

- 1 . Spoutnik
- 2 . Explorer
- 3 . Air Navigation

کار خود را آغاز کردند) تا سال ۱۹۷۹، موفق به تصویب پنج معاهده مهم بین‌المللی در زمینه حقوق فضا شد. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در حوزه فضای ماورای جو، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی صادر کرده است. مجموع این اسناد، که در تبیین نظام حقوقی فضای ماورای جو، به نوعی مکمل یکدیگرند، برای اولین بار اصول بنیادین فضای ماورای جو را در اسناد بین‌المللی وارد کردند.

این اسناد و اصول مندرج در آن‌ها سوال‌های قابل تاملی را مطرح کرده‌اند. برای مثال آیا کنوانسیون فضایی، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، جنبه الزام‌آور دارند؟ آیا با وجود انحصار فناوری‌های فضایی در دست برخی از کشورهای توسعه‌یافته، باز هم می‌توان بر اصولی چون «لزوم همکاری میان کشورها در فعالیت‌های فضایی» یا «استفاده برابر از فضا برای همه» تأکید کرد؟ یا این که تراحم میان اموری چون «استقرار ماهواره‌ها در مدار مشخص» و «اصل عدم تملک خصوصی فضا» و «لزوم استفاده از فضا بدون ایجاد مزاحمت برای سایرین» چگونه قابل حل است؟

در بخش نخست این مقاله، به تبیین و تعیین محدوده فیزیکی فضای ماورای جو می‌پردازیم. سپس در قسمت بعدی، نظام حقوقی این منطقه را به صورت اجمالی بررسی می‌کنیم و در نهایت اصول حاکم بر فضای ماورای جو را در بخش نهایی مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱. تعریف فضای ماورای جو^۱

هیچ یک از معاهدات مربوط به حقوق فضا این منطقه را تعریف و تعیین نکرده است. در زمینه نحوه تعیین نقطه آغازین فضای ماورای جو، هفت نظریه و پیشنهاد مطرح است که هیچ‌کدام از آن‌ها اولییتی بر دیگری ندارند:

۱. برخی، نقطه آغازین این منطقه را جایی می‌دانند که بعد از آن «پروازهای هواپیمایی» ممکن نیست، یعنی تعیین مرز بر اساس ویژگی‌های آیرودینامیک وسایل و تجهیزات پروازی استوار است (خسروی، ۱۳۸۱: ۲۲). این پیشنهاد، قاعده

۱. Outer Space

«تیررس توپ» در تعیین دریای سرزمینی دولت ساحلی را برای ما تداعی می‌کند. ایراد این پیشنهاد، در نظر نگرفتن تحولات فن‌آوری هوانوردی می‌باشد، کما اینکه احتمال دارد در آینده‌ای نه چندان دور، ارتفاع پروازهای هواپیمایی به چندین برابر برسد. بدین ترتیب این معیار همواره متغیر خواهد بود.

۲. برخی دیگر حد فاصل قلمرو هوایی و دریایی را «حداقل ارتفاع مدار ماهواره» پیشنهاد کرده‌اند که چیزی حدود ۱۶۰ کیلومتر خواهد بود. پروفیسور «کوپر»^۱ بر این نظر است.

۳. بعضی نیز پیشنهاد ایجاد یک منطقه نظارت (مانند مناطق دریایی) را در حد فاصل ۸۰ تا ۲۴۰ کیلومتری زمین کرده‌اند. بدین ترتیب که در فاصله کمتر از ۸۰ کیلومتر دولت از حق حاکمیت برخوردار باشد و در بالاتر از ۲۴۰ کیلومتر آزادی فضا حکمفرما باشد و در حد فاصل این دو مسافت، دولت‌ها از برخی صلاحیت‌ها به منظور نظارت بر آن منطقه برخوردار باشند (مثلاً عبور ترانزیت وجود دارد) (موسی زاده، ۱۳۸۳: ۳۴۳).

۴. گروهی نیز شروع این منطقه را از جایی می‌دانند که انسان دیگر قادر به نفس کشیدن نیست و زمین جاذبه خود را از دست می‌دهد (این حد از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مایل، متغیر است) (مقتدر، ۱۳۹۱: ۲۶۵).

۵. بر اساس نظریه تعیین حدود بر اساس کنترل موثر، هر کشور بر طبق توانمندی و فن‌آوری خویش تا آنجایی که قدرتش اجازه می‌دهد بر هوا و فضای بالای آن حاکم می‌باشد و بعد از آن در مالکیت و حاکمیت هیچ کشوری نیست (خسروی، ۱۳۸۱: ۲۳). این نظر نیز معیاری متغیر را به دست می‌دهد و مسلم است که دول پیشرفته به نسبت دولت‌های در حال توسعه، به گستره وسیع‌تری از هوافضا دسترسی دارند.

۶. در تعیین حد فاصل میان هوا و فضا باید «نوع و ماهیت فعالیت» ملاک عمل قرار بگیرد (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۳۸). بر این اساس، «فعالیت فضایی» را باید از «فعالیت هوایی» تمیز داد و فعالیت اول را تابع مقررات حقوق فضا و فعالیت

دوم را تابع حقوق هوایی دانست. این نظریه در مورد شاتل‌های فضایی که قابلیت فضاوردی و هوانوردی را با هم دارا هستند (هوافضاپیما)^۱ با چالش مواجه می‌شود. ۷. فوشی،^۲ حقوقدان برجسته فرانسوی طرفدار نظریه آزادی فضای بالای قلمرو کشورها بود و معتقد بود که عبور از آن، باید آزاد باشد. زیرا اصولا هوا قابل تصرف و تملک نیست و دولت‌ها نمی‌توانند در فضای بالای قلمرو خود حق مالکیت و حاکمیت داشته باشند، فقط می‌توان برای آن‌ها حق دفاع و تامین امنیت قائل شد (حیدری، ۱۳۴۲: ۵۵).

در حالی که تعیین دقیق این حد، کماکان لاینحل مانده و نیاز به این دارد که در توافقات آینده دولت‌ها، به آن پرداخته شود، روبه معمول بین‌المللی ارتفاع ۸۰ تا ۱۰۰ کیلومتری از سطح زمین را به عنوان حد ابتدایی فضا، نشان می‌دهد.

عدم وجود تعریف روشنی در حقوق بین‌الملل راجع به حاکمیت کشورها در فضای بالای آنها موجب شده است که کشورهایی که دارای ماهواره‌های شناسایی هستند از فضای مذکور آزادانه استفاده کنند و حتی از مدارهای پایین‌تر برای کسب اطلاعات استراتژیکی و تاکتیکی سودمند، بهره‌برداری کنند. حل این مسأله، به ایجاد سازمانی بین‌المللی برای نظارت بر ماهواره‌ها و نحوه کار آنها، نیاز دارد. با ایجاد چنین سازمانی جمع‌آوری اطلاعات شناسایی نظامی از فضا به وسیله یک مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی انجام خواهد شد.^۳

در مورد حد پایانی فضای ماورای جو، گروهی بر این عقیده اند که این فضا به دو قسمت تقسیم می‌شود: فضای منظومه شمسی که برخی حقوقدانان شروع فرضی آن را بعد از جو زمین تعریف نموده و بعضی از آن‌ها از جمله پروفیسور کوپر، حقوقدان معروف آمریکایی خاتمه آن را آخرین حد فضای منظومه شمسی معلوم نمود و قسمت دوم ماورای آن فضای خارجی گالاکسی و منظومه‌های دیگر خواهد

1 . Aerospaceplane

2 . Fauchille

۳ . پیشنهاد تشکیل سازمان بین‌المللی برای نظارت بر امور ماهواره‌ها (ایسما)، به وسیله هیات نمایندگی فرانسه در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۸ ارایه و تصویب شد و به علت مخالفت دو قطب فضایی (ایالت متحده آمریکا و روسیه)، که ایجاد این سازمان را در تعارض با منافع‌شان و خاتمه فعالیت انحصاریشان در زمینه ماهواره‌های شناسایی می‌دیدند، این سازمان هرگز ایجاد نشد.

بود (صفوی، ۱۳۷۲: ۲۷). ردپایی از این نظریه را می‌توان در بند ۱ ماده ۱ معاهده ماه ۱۹۷۹ دید:

«مقررات این موافقت‌نامه در خصوص دیگر اجرام سماوی منظومه شمسی، جز زمین اعمال خواهند شد.»

البته به غیر از این مورد خاص، در مابقی اسناد و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی فضایی، اصطلاح «فضای ماورای جو» به طور مطلق استفاده شده و هیچ تمایزی میان مناطق مختلف فضا قایل نشده است.

۲. نظام حقوقی فضای ماورای جو

تمامی مسایل حقوقی و فنی مربوط به فضای ماورای جو در «کوپوس» (کمیته سازمان ملل متحد راجع به استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو)^۱ مطرح می‌شود. کشورهای عضو ملل متحد به موجب قطعنامه‌ای در ۱۹۵۸، این کمیته را که یک سال بعد طی قطعنامه شماره ۱۴۷۲ به عنوان یکی از کمیته‌های قانونی مجمع عمومی سازمان ملل رسمیت یافت، تشکیل دادند.

فعالان فضایی خواستار یک آزادی عمل گسترده در مناطق مهم فضایی هستند، ولی اگر یک چنین آزادی عملی در خصوص اشیاء فضایی جدید و پیچیده‌تر پذیرفته شود، دیگر نمی‌توان اجرای قواعد حقوقی موجود را تضمین کرد (Dolzer, 1985: 534). نظریه‌های گوناگونی در باب رژیم حقوقی فضای ماورای جو مطرح شده است. به طوری که برخی، فضای ماورای جو را با دریای آزاد قیاس کرده‌اند و برخی دیگر فضا را با قطب جنوب و عرصه هوایی مقایسه کرده‌اند. هر کدام از این نظریه‌ها پیامد خاص خود را بر نظام حقوقی فضا دارد. به طور مثال، نظریه همانندی فضا به قطب جنوب، فضا را عاری از فعالیت‌های نظامی می‌خواهد و نظریه‌های مربوط به تشبیه نظام فضا به قطب جنوب یا عرصه هوایی، در موارد استثنایی، جواز فعالیت‌های نظامی در حقوق بین‌الملل را به نظام فضا نیز تسری می‌دهند (نواده توپچی، ۱۳۸۶: ۳۱۹).

نظام حقوقی کنونی فضا، به طور کلی از پنج معاهده ناشی می‌شود: معاهده

1 . Committee on the Peaceful Uses of Outer Space (COPUOS)

۱۹۶۷ مربوط به فعالیت کشورها در کشف و استفاده از فضای ماورای جو، ماه و دیگر اجرام سماوی (معاهده فضا)، معاهده ۱۹۶۸ راجع به نجات فضانوردان و بازگرداندن اشیای پرتابی به فضای ماورای جو، معاهده ۱۹۷۲ در خصوص مسوولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اجسام فضایی (کنوانسیون مسوولیت)، معاهده ۱۹۷۵ در خصوص ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو (کنوانسیون ثبت)، معاهده حاکم بر فعالیت کشورها در کره ماه و دیگر اجرام سماوی ۱۹۷۹ (معاهده ماه).

البته اعلامیه‌های مجمع عمومی^۱، حقوق بین‌الملل عرفی و رویه‌های کشورهای پیشگام در عرصه فضایی (که ایجاد عرف بین‌المللی کرده است) و چهار قطعنامه دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مجمع عمومی^۲ نیز در این زمینه قابل ذکر است. اما آیا قطعنامه‌های اخیر الزام‌آورند؟ بر خلاف توصیه‌نامه‌ها، تصمیمات (قطعنامه‌های) سازمان‌های بین‌المللی الزامی می‌باشند، با این حال جملگی، از گستره الزامی واحدی برخوردار نیستند. برخی از تصمیمات که مخاطبان خاص دارند، تنها برای ایشان الزام‌آور است و تصمیماتی که مخاطب خاص ندارد، برای موافقان آن قطعنامه‌ها الزام‌آور است (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

۳. اصول حاکم بر فضای ماورای جو

اکثر نکات مهم حقوق فضا در معاهده فضا ۱۹۶۷ و معاهده ماه ۱۹۷۹ ذکر شده است. ولی باید توجه داشت که اکثر اصول حاکم بر این معاهدات مانند یازده اصولی

۱. اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فضا عبارتند از: اعلامیه شماره ۱۱۴۸ مربوط به کاهش تسلیحات (۱۹۵۷)، اعلامیه شماره ۱۳۴۸ در مورد تأسیس «کمیته خاص استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو» (۱۹۵۸)، اعلامیه شماره ۱۷۲۱ در زمینه آزادی فضا (۱۹۶۱)، اعلامیه شماره ۱۸۸۴ درباره منع پرتاب و گردش سفینه‌های فضایی حامل سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌هایی که قدرت تخریبی عظیمی دارند (۱۹۶۳)، اعلامیه شماره ۱۹۶۲ مربوط به اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، کره ماه و دیگر کرات آسمانی (۱۹۶۳).

۲. قطعنامه‌های مجمع عمومی عبارتند از: قطعنامه اصول حاکم بر استفاده از ماهواره‌ها برای پخش مستقیم تصاویر تلویزیونی (۱۹۸۲)، قطعنامه اصول مربوط به سنجش از دور زمین از فضای ماورای جو (۱۹۸۶)، قطعنامه اصول مربوط به استفاده از منابع سوخت هسته‌ای در فضای ماورای جو (۱۹۹۲)، قطعنامه اعلامیه همکاری بین‌المللی در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو به سود و نفع کلیه کشورها با توجه خاص به نیازهای کشورهای در حال توسعه (۱۹۹۶).

۳. جمهوری اسلامی ایران تاکنون دو معاهده ۱۹۷۲ و ۱۹۶۸ را امضا کرده و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانده و معاهدات ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ را نیز تنها امضا کرده است.

که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، جزء حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شوند و بر تمامی کشورهای عضو و غیرعضو این معاهدات لازم‌الاجرا است. این اصول تا حدی نظام حقوقی این منطقه را روشن می‌کنند. این اصول را ذیلاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳. اصل آزادی کاوش و استفاده از فضای ماورای جو

طبق ماده ۱ معاهده فضا ۱۹۶۷، کاوش و بهره‌برداری از این منطقه باید به صلاح و در جهت منافع کلیه کشورها، صرف نظر از میزان رشد و توسعه اقتصادی و علمی آنها و با توجه به حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد، انجام شود. بنابراین، تمامی اصول حقوق بین‌الملل در فضای ماورای جو نیز، اعمال می‌شوند. البته اگر این عبارت ذکر هم نمی‌شد، این امر، مسلم بود. یعنی منشور ملل متحد سندی محدود به زمان و مکان خاصی نیست و بر تمامی موضوعات حقوق بین‌الملل حاکم است. علاوه بر این، در زمینه تعارض مفاد معاهدات فضا با منشور ملل متحد نیز، ماده ۱۰۳ منشور اعمال خواهد شد.

در راستای اعمال این آزادی، بر همکاری بین‌المللی کشورها به عنوان امری حیاتی، تأکید شده است. مواردی چون کمک به فضانوردان در صورت بروز خطر در مواقع اضطراری یا فرود اجباری و تصادف در فضا، در این زمینه قابل ذکر است. لذا اصل آزادی کاوش، به هیچ وجه به معنای انجام آزمایش‌های زیان بار در ماورای جو نیست. طبق معاهده فضا (۱۹۶۷) بر اصل آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضا، چهار محدودیت اعمال شده است:

۱. استفاده از فضا باید «مسالمت‌آمیز» باشد. یعنی هرگونه استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی در فضا و کرات آسمانی ممنوع است.
۲. استفاده از فضا باید در جهت «مصلح همگانی» باشد (ماده ۱ کنوانسیون). در حال حاضر، این استفاده دور از واقعیات بین‌المللی کنونی است. زیرا دولت‌های بزرگ با دسترسی به فن‌آوری فضایی از دولت‌های در حال توسعه پیشی گرفته‌اند و استفاده از قلمرو فضایی را تا حدود زیادی در انحصار خود درآورده‌اند.

۳. استفاده از فضا باید در جهت «فعالیت‌های غیرزیانبار» باشد. یعنی اینکه فعالیت فضایی دارای آثار مخرب برای محیط‌زیست نباشد (موسی زاده، ۱۳۸۳: ۳۴۵).

۴. استثناء چهارم در ماده ۹ معاهده فضا ۱۹۶۷ آمده است. طبق این ماده فعالیت‌های یک کشور و اتباع آن در فضای ماورای جو، ماه و دیگر کرات آسمانی نباید بالقوه سبب ایجاد مزاحمت در خصوص استفاده از حق طبیعی دیگر کشورهای عضو در کاوش و استفاده مسالمت‌آمیز شود.

ضمناً، ماده ۳ معاهده فضا ۱۹۶۷، ماده ۴ معاهده ماه ۱۹۷۹ و اصل ۴ از اصول پانزده‌گانه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مربوط به سنجش از راه دور ۱۹۸۶ نیز، به اصل آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو بر اساس برابری میان کشورها اذعان دارد.

۲-۳. اصل منع تصاحب و تملک فضا (میراث مشترک بشریت)

این اصل، مهم‌ترین اصل حقوق فضا محسوب می‌شود. اصل مذکور، در ماده یک معاهده فضا ۱۹۶۷ آمده است. برای اجرای آزادی فضای ماورای جو حدودی تعیین شده است. فعالیت‌های فضایی باید مطابق با حقوق بین‌الملل انجام شود.

فضای ماورای جو و کرات آسمانی همانند دریای آزاد نمی‌توانند تحت تملک قرار گیرند. به عبارت دیگر، فضای ماورای جو مانند قلمرو دریای آزاد «مال مشاع یا مشترک» است و کلیه دولت‌ها می‌توانند قانوناً به طور مساوی از قلمرو فضایی استفاده کنند (موسی زاده، ۱۳۸۳: ۳۴۴). این واقعیت همراه با گسترش مشارکت کشورهای مختلف جهان در بهره‌گیری از ماهواره‌ها به تدریج با ارسال برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، حقی بنیادین چون اصل «آزادی گردش اطلاعات» را وارد حقوق بین‌الملل ساخت.

در حقوق بین‌الملل، فضای ماورای جو «مال مشاع یا مشترک» محسوب می‌شود و تمامی دولت‌ها می‌توانند به طور مساوی از این منطقه بهره‌مند شوند (برابری کشورها). ولی این اصل، به دلیل عدم تساوی دولت‌ها در فن‌آوری هوانوردی، در عمل رعایت نمی‌شود. یعنی درست است که حق بهره‌برداری از فضای ماورای جو

برای کلیه کشورها برابر است ولی چون تنها برخی از کشورها به فضا دسترسی یافته‌اند، در عمل تنها آن‌ها می‌توانند از این امتیاز برخوردار شوند.

ادعاهای مالکیت کشورهای استوایی در اعلامیه بوگوتا^۱ ۱۹۷۶، نسبت به منابع طبیعی بخش‌هایی از مدار ماهواره‌ای ثابت زمین (geostationary) بر فراز سرزمین‌هایشان، به عنوان نقض ماده ۲ معاهده فضا، تقریباً به طور دسته‌جمعی محکوم شد.^۲ (De Man, 2010: 14).

معاهده فضا ۱۹۶۷، ماهیت حقوقی اجرام سماوی را، از اموال بلاصاحب^۳ به اموال متعلق به عموم^۴ تغییر داد (زمانی، ۱۳۸۰: ۱۵). طبق ماده ۲ معاهده فضا ۱۹۶۷، فضای ماورای جو و اجرام آسمانی را نمی‌توان در هیچ صورتی، تحت مالکیت ملی^۵ درآورد. در نقطه مقابل اصل «برابری دسترسی به فضا»، اصل «تقدم پیشگام بر دیگران»^۶ مطرح است که در آغاز عصر فضا، درباره این منطقه مطرح بود و امروزه کاملاً منسوخ است. اصل برابری دسترسی به فضا به نوعی مکمل اصل آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضا است.

از این اصل این نتیجه حاصل می‌شود که تمامی سفینه‌های فضایی بر طبق صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم، که از اصول پذیرفته حقوق بین‌الملل است، تحت حمایت کشور مذکور قرار می‌گیرند و در صورت ایجاد مسوولیت، مسوولیت بین‌المللی دولت صاحب پرچم مطرح است.

به دنبال پذیرش عام اصل عدم تصاحب و تملک فضا، ماهیت این منطقه

1 . Bogota Declaration

۲ . هشت کشور در حال توسعه استوایی (برزیل، کلمبیا، کنگو، اکوادور، اندونزی، کنیا، اوگاندا و زئیر) طبق منشور بوگوتا در سال ۱۹۷۶، نسبت به بخش‌هایی از مدار ثابت زمین (مدار «Geostationary Orbit» در ۲۲۳۰۰ مایلی (یعنی ۳۵۸۰۰ کیلومتری) فراز زمین واقع است و چون ماهواره‌ها با سرعتی برابر سرعت چرخش زمین و هم‌سو با آن در این مدار در حرکتند، ثابت به نظر می‌رسند) ادعای حاکمیت کردند که این ادعا از طرف قدرت‌های فضایی رد شد. جالب است که این کشورها به حضور ماهواره‌های در گردش به دور مدار زمین که به مراتب در سطح پایین‌تری از ماهواره‌های حاضر در مدار ثابت زمین فعالیت می‌کنند، هیچ‌گونه اعتراض یا ادعای مالکیتی نکرده‌اند. ولی بر مدار ثابت زمین ادعای حاکمیت دارند (نواده توپچی، ۱۳۹۰: ۵۹).

3 . Res Nullius

4 . Res Communis Humanitaris

5 . National Appropriation

6. First come first served

به عنوان «میراث مشترک بشریت» شناخته شده است. پس از شناخته شدن این منطقه به عنوان میراث مشترک بشریت در سال ۱۹۵۷ در قطعنامه ۱۳۴۸، این مفهوم در معاهده ماه (۱۹۷۹)، توسعه یافت و به منابع طبیعی کره ماه و دیگر اجرام سماوی^۱ تعمیم داده شد.

اما در عمل هیچ کس تردید نکرد که، سازمان هوانوردی و فضاوردی آمریکا (ناسا) سنگ‌هایی را که فضاوردان آمریکایی از فضا آورده‌اند، مالک شده است. هرچند که محض احتیاط در بند ۲ ماده ۶ معاهده ماه، مقرر شده است که چنین نمونه‌هایی در اختیار آن دولت‌های عضو باقی خواهد ماند که وسیله جمع‌آوری این نمونه‌ها را فراهم کرده‌اند (هوهن فلدرن، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

لازم به ذکر است که ۵ مورد، در حقوق بین‌الملل «میراث مشترک بشریت» تلقی می‌شوند:

۱. بستر دریاها، کف اقیانوس‌ها و زیربستر دریاها که خارج از صلاحیت ملی هستند (طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها) (رابین چرچیل و آلن لو، ۱۳۸۵: ۲۸۲).
۲. کلیه یافته‌های ژنتیکی (اعلامیه ژنوم انسانی مصوب ۱۹۹۸ مجمع عمومی).
۳. تنوع زیستی و حفظ آن (کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ ریودوژانیرو).
۴. اشیاء و آثاری که به مدت ۱۰۰ سال زیر آب مانده باشند (کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب، مصوب یونسکو ۲۰۰۱).
۵. فضای ماورای جو (معاهده فضا ۱۹۶۷).
نظام حقوقی حاکم بر قطب جنوب نیز، هنوز به طور قطعی، ترسیم نشده است. عادلانه‌ترین نظام حقوقی که مجمع عمومی سازمان ملل به دنبال آن بوده است، استقرار اصل میراث مشترک بشریت در خصوص قطب جنوب می‌باشد (طلایی و منصور، ۱۳۸۵: ۲۶).

۱-۲-۳. اصل منع تصاحب و تملک فضا و استثنا بر عدم تملک

پیش از تصویب معاهده فضا (۱۹۶۷)، گروهی از حقوقدانان غربی بر این نظر بودند

۱. بند ۱ ماده ۱۱ معاهده ماه ۱۹۷۹: «ماه و منابع طبیعی میراث مشترک بشریتند.»

که اجسام پرتاب شده به فضا، به سبب اینکه در این منطقه، حاکمیتی متصور نیست، تابعیتی ندارند یا اموال بدون صاحب هستند (حیدریان، ۱۳۵۱: ۶۶). تنها مالکیتی که برای دولت‌ها، در فضای ماورای جو و یا هر جرم سماوی شناخته شده است، حاکمیت بر شیء فضایی پرتاب شده به وسیله آن کشور و ثبت شده به نام او و بر تمامی خدمه آن است (ماده ۸ معاهده فضا).

مالکیت دولت بر اشیای پرتاب شده به وسیله خودش، دو سوال مهم را مطرح می‌کند: سوال اول این که اگر این شیء در یکی از اجرام آسمانی فرود آید و یا مدتی (حتی طولانی) در آنجا مستقر شود، یا اگر به طور دائمی به آن جرم آسمانی متصل شود، آیا برای کشور مذکور نسبت به فضای اشغال شده نوعی مالکیت به وجود می‌آید یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که تمامی کشورها حق استفاده از فضای ماورای جو را دارند و می‌توانند از حق خود، برای فرود آوردن و مستقر کردن سفینه‌های خود استفاده کنند، مشروط به این که به واسطه استفاده از حق خود، مزاحمتی برای کشورهای دیگر در استفاده از حقیقتان به وجود نیآورند (بند ۳ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۹ معاهده ماه ۱۹۷۹). البته شاید در ظاهر قضیه عنوان مالکیت مطرح نشود، ولی وقتی یک کشور، ایستگاه‌های فضایی یا سفینه‌ای را در منطقه‌ای از فضا یا مدار زمین مستقر می‌کند، به طور غیرمستقیم مالک آن بخش از فضا می‌شود، چون کشور دیگری نمی‌تواند به واسطه اعمال حق خود، خواستار تغییر مکان ایستگاه فضایی سفینه مستقر شده کشور مذکور شود.

همچنین بر طبق بند ۴ ماده ۳ معاهده ماه (۱۹۷۹)، که ایجاد تأسیسات لازم برای کاوش و بهره‌برداری مسالمت‌آمیز از کره ماه را ممنوع ندانسته است و بند ۱ ماده ۹ معاهده ماه در مورد ایجاد ایستگاه‌های دارای سرنشین یا بدون سرنشین بر روی کره ماه، می‌توان به قصد قانونگذار بین‌المللی پی برد.

سوال دوم این است که، موضوع مالکیت کشور ثبت‌کننده بر شیء فضایی، در حالت ثبت مشترک چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ در این حالت بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵، تکلیف را مشخص کرده است. طبق این ماده دو یا چند کشوری که یک شیء فضایی را با هم پرتاب می‌کنند، باید با توافق یکدیگر مشخص

کنند که کدامیک از آن‌ها، آن شیء را بر طبق ماده ۱ کنوانسیون، ثبت خواهد کرد. بدین صورت که یکی از کشورهای پرتاب کننده، شیء فضایی را به نام خود ثبت می‌کند و سپس (یا حتی قبل از ثبت) میان خودشان در مورد کنترل، کادر شیء فضایی و سایر موارد مربوط به آن، موافقتنامه ای منعقد می‌کنند.

۲-۲-۳. اصل منع تصاحب و تملک فضا و استقرار ماهواره‌ها در مدار و سایر کرات
اتحادیه بین‌المللی مخابرات^۱ (ITU) به تخصیص مدارهای زمین به دولت‌ها (که نوعی تملک محسوب می‌شود) می‌پردازد. اصل عدم تصاحب و تملک فضا، مانع ثبت موقعیت مداری دائمی در این اتحادیه نمی‌شود، به این دلیل که چنین ثبتی، حق مالکیتی برای کشور پرتاب کننده ایجاد نمی‌کند.

این سازمان، ایستگاه‌های فضایی را تعیین می‌کند و همچنین به علت کثرت مدارهای تعیین شده، برخی ایستگاه‌های فضایی را به منظور استفاده محتمل کشورهای در حال توسعه در آینده، به این کشورها اختصاص داده است. اما توزیع مدارهای پایین تر بر اساس اصل «آنکه زودتر می‌آید مقدم است» انجام می‌گیرد (هوهن فلدن، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

۳-۲-۳. استخراج منابع معدنی از اجرام آسمانی

معاهده ماه ۱۹۷۹، منابع طبیعی موجود در ماه و سایر اجرام فضایی را جزء میراث مشترک بشریت دانسته است (ماده ۴). بند ۵ ماده ۱۱ این معاهده، به کشورهای عضو در بهره‌برداری از منابع طبیعی ماه اجازه کامل داده است. البته در ادامه همین ماده آمده است که منافع حاصل از این منابع باید میان اعضای این کنوانسیون به نحوی تقسیم شود که به منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و نیز به تلاش‌های آن دسته از کشورهایی که مستقیم یا غیرمستقیم در کاوش ماه کمک کرده‌اند، توجه ویژه‌ای شود. در عین حال، دولت استخراج کننده طبق ماده ۶، می‌تواند نمونه مواد معدنی را به منظور تحقیقات علمی نزد خود نگهدارد و همچنین مخارج و هزینه‌های مأموریت‌های خود را، از این مواد معدنی استخراج شده تأمین کند. همچنین طبق

1 . International Telecommunications Union

بند ۱ ماده ۱ معاهده ماه ۱۹۷۹، مقررات این موافقت‌نامه در خصوص دیگر اجرام منظومه شمسی، جز زمین، اعمال خواهد شد.

۳-۳. اصل استفاده مسالمت آمیز از فضای ماورای جو یا اصل غیر نظامی کردن فضای ماورای جو^۱

طبق ماده ۴ عهدنامه فضا ۱۹۶۷، هیچ دولت یا مقامی حق استفاده نظامی از فضای ماورای جو را ندارد و بند ۱ ماده ۳ معاهده ماه ۱۹۷۹ همین حکم را در مورد ماه تأیید کرده است.

اولین نکته در مورد این ماده این است که باید دو مفهوم را از هم تمیز داد:
۱. اصل غیر نظامی کردن نسبی فضای ماورای جو، که مربوط به زمان صلح می‌باشد.
۲. اصل غیر نظامی کردن کامل فضای ماورای جو، که به طور مطلق می‌باشد و هیچ استثنایی نمی‌پذیرد.

امروزه اصل اول به طور عام و بین‌المللی پذیرفته شده است. البته در مواردی دولت‌ها در مقام دفاع مشروع و حتی در مواردی نادر با استناد به حق دفاع مشروع پیشگیرانه و دفاع مشروع پیش‌دستانه به استفاده نظامی از فضای ماورای جو مبادرت می‌کنند.
در عین حال، در زمان مخاصمه مسلحانه، یک کشور درگیر در نبرد فضایی، باید به تعهدات خود بر اساس حقوق بشردوستانه، در قبال افراد و اشیای غیر نظامی در فضای ماورای جو، عمل کند (رضی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۴).

نکته دوم این که طبق بند ۱ ماده ۴ معاهده فضا، در مدار قراردادن سفاین حامل سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر سلاح‌هایی که قدرت تخریبی عظیمی دارند، ممنوع است.^۲ از این قاعده می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرار دادن سلاح‌های کلاسیک در فضای ماورای جو مانعی ندارد و همچنین استقرار و آرایش تمامی

۱. این اصل با بیانیه دولت جرج بوش در خصوص دنبال کردن قلمروی ملی در فضای ماورای جو به شدت به چالش کشانده شد. این بیانیه ممکن است در آینده به استقرار سلاح در فضا منجر شود، هر چند فضا از پیش تا اندازه‌ای نظامی شده است.
۲. پیش از این ماده ۱ معاهده منع آزمایش سلاح هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر آب ۱۹۶۳، هرگونه آزمایش هسته‌ای و یا هرگونه انفجار هسته‌ای را در فضا، ممنوع کرده است، در حالی که این معاهده، نگره‌داشتن یا در مدار قرار دادن سلاح‌های هسته‌ای را منع نکرده است.

سلاح‌هایی که قادر به کشتار دسته جمعی نیستند، در مدار و هدایت کلیه سلاح‌ها در فضای ماورای جو مجاز است.

همچنین، این حقیقت واضح است که ماده ۴ معاهده فضا، به کارگیری و استفاده از سلاح‌های فضایی متداول را که منبع انرژی هسته‌ای دارند، ممنوع نمی‌کند (Bourbonniere and Lee, 2008: 881). دو نوع انرژی هسته‌ای معمولاً برای فعالیت‌های فضایی در نظر گرفته می‌شوند: رادیواکتیوها (منبعی از گرما و الکتروسیسته که صدها وات انرژی تولید می‌کند) و ژنراتورهای هسته‌ای (منبعی از الکتروسیسته و نیروی رانش، که بر اساس استفاده از آن، صدها کیلووات تا مگاوات انرژی تولید می‌کند) (Bouvet, 2004: 204). نکته سوم در مورد ماده ۴ این است که این ماده، از کلمات قراردادن، نصب و استقرار استفاده کرده است، پس به نوعی استفاده از این منطقه به طور موقت، برای فرستادن موشکی از یک نقطه زمین به نقطه دیگر، بلامانع است. این حالت در مورد موشک‌های بالستیک که برای زمان کوتاهی از جو زمین خارج می‌شوند، اتفاق می‌افتد.

همچنین ایجاد پایگاه‌های نظامی، هر نوع آزمایش سلاح و هر مانوری نیز طبق قسمت اخیر ماده ۴ معاهده فضا، در اجرام آسمانی و طبق بند ۴ ماده ۳ معاهده فضا، در کره ماه ممنوع است و انجام این اقدامات در سایر مناطق فضا ممنوعیتی ندارد. لازم به ذکر است افراد و کارمندان نظامی می‌توانند برای تحقیقات علمی و بایر نوع مقاصد صلح آمیز استخدام شوند و نیز استفاده از هر نوع تجهیزاتی که برای تجسس صلح جو یا نه در ماه و یا در کرات دیگر باشد، ممنوع نیست.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک ماه پس از اولین پرتاب به فضا (اسپوتنیک شوروی در سال ۱۹۵۷)، طی قطعنامه شماره ۱۱۴۸ اعلام کرده بود که پرتاب اشیاء به فضا صرفاً باید برای مقاصد صلح جو یا نه صورت گیرد. در تفسیر اولیه و کلی از واژه «صلح آمیز» در ارتباط با فضای ماورای جو، معنای «غیر نظامی» بودن آن در ذهن مجسم می‌شود. البته کشورهای مختلف تفاسیری مختلف از این مفهوم کرده‌اند.

ایالات متحده آمریکا ادعا کرد که واژه مذکور به معنی «عدم تجاوز» است نه به معنی «غیر نظامی کردن». اتحاد جماهیر شوروی سابق در ابتدا به بهره‌گیری از فضا با ماهواره‌های شناسایی با این استدلال اعتراض کرد. پس از مدتی شوروی مزایای این قابلیت را به خوبی شناخت و ماهواره‌های خود را توسعه بخشید و در نهایت تفسیر ایالات متحده را از اصطلاح

«صلح‌آمیز» به معنای «غیرتهاجمی» پذیرفت (نواده توپچی، ۱۳۸۶: ۳۱۸). اگرچه کشورهای در حال توسعه ترجیح می‌دهند که واژه «صلح‌آمیز» را «غیرنظامی» معنی کنند ولی تاکنون هیچ کشوری به‌طور رسمی به تفسیر ایالات متحده اعتراض نکرده است تا مانع از شکل‌گیری قاعده عرفی بین‌المللی در این زمینه شود.

بر اساس این دیدگاه، تمامی استفاده‌های نظامی از فضای کیهانی مادامی که جنبه تجاوز کارانه به خود نگیرد، به‌موجب بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل که «تهدید و استفاده از زور» را منع نموده است، قانونی و مجاز قلمداد می‌شود.

طرفداران نظریه اخیر به ماده ۲ و ماده ۳ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استناد می‌کنند که کاربردهای صلح‌آمیز را تجویز و کاربردهای نظامی را ممنوع کرده است. در عین حال، ماهواره‌ها به خودی خود دارای قدرت تخریبی نبوده و استفاده از آن‌ها برای مأموریت‌های نظامی به معنای تسلیحاتی کردن فضا نیست.

قطعنامه ۱۹۷۷ محدودیت‌های بیشتری را در زمینه ممنوعیت استفاده نظامی از فضای ماورای جو که موجب وارد آوردن خسارات مداوم، نابودی، انهدام و بروز انواع بیماری‌ها می‌شود، مقرر می‌نمایند. در این قطعنامه واژه «محیط زیست» شامل فضای کیهانی نیز می‌شود.

۳-۴. اصل آزادی ارتباطات از راه دور

امروزه پخش مستقیم ماهواره‌ای^۱ (D.B.S) به‌طور جهانی قابل دسترس است. در مقابل آزادی پخش و آزادی اطلاعات، آزادی استفاده از پارازیت برای دولت‌هایی که علاقه‌ای به استفاده از محتوای پیام‌های رادیویی و تلویزیونی ندارند، به رسمیت شناخته شده است.^۲

قطعنامه ۳۷/۹۲ مصوب ۱۹۸۲ مجمع عمومی، اصول حاکم بر استفاده ماهواره‌های ساختگی زمینی در قبال پخش مستقیم و بین‌المللی برنامه‌های تلویزیونی را در برداشت قابل ذکر است که اکثر ارتباطات ماهواره‌ای بین‌المللی به وسیله سازمان‌های چند ملیتی انجام می‌شود که نخستین و برجسته‌ترین آن‌ها اینتل ست است.

1 . Direct Broadcasting Satellite

۲ . اعلامیه ۱۹۷۲ یونسکو از قاعده «رضایت قبلی» حمایت کرده و به کشورها حق سانسور پخش‌های خارجی را می‌دهد.

۵-۳. اصل آزادی نظارت و سنجش از راه دور

طبق قطعنامه سنجش از راه دور مصوب ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل، سنجش از راه دور،^۱ به معنای سنجش سطح زمین از فضا به منظور بهبود مدیریت منابع طبیعی، استفاده زمین و حفاظت از محیط‌زیست با استفاده از ویژگی‌های امواج الکترومغناطیسی تابش شده و منعکس شده به وسیله اشیای سنجش شده است (اصل ۱).

در سنجش از راه دور به وسیله ماهواره‌ها، دو حق در تعارض با هم‌اند: حقوق حاکمه یک دولت در استفاده از منابع و ذخایر طبیعی تحت حاکمیت خود و حق آزادی کاوش در فضای ماورای جو. در این باب کشورهای آرژانتین و برزیل ادعا کرده‌اند که سنجش از راه دور باید مشروط به کسب رضایت قبلی^۲ باشد. ولی در عمل این اعتراض‌ها نتوانستند جلو پیشرفت فن‌آوری را بگیرند و در نتیجه اصل آزادی مطلق سنجش از راه دور (دیدگاه ایالات متحده آمریکا) با شرط احترام به اصل حاکمیت مطلق و دایم تمامی کشورها و ملت‌ها بر منابع و ثروت خود بر این سیاست حاکم شده است (اصل ۴ قطعنامه).

در واقع، این قطعنامه با پذیرش کلی اصل آزادی سنجش از راه دور، نظرات موافق و مخالف را هم لحاظ کرده است. همچنین طبق اصل ۱۲ قطعنامه ۱۹۸۶، دولت سنجش شده بدون تبعیض و به شرط پرداخت بهای مناسب باید به آن اطلاعات دسترسی داشته باشد. در مقابل اصل آزادی سنجش از راه دور، نظریه‌هایی در مورد حمایت و حفاظت از داده‌های سنجش از راه دور در قالب حقوق مالکیت فکری ارایه شده است که بسیار کمرنگ و بی اثر بوده و مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین مشروعیت و آزادی سنجش از راه دور را می‌توان با استناد به حق آزادی اطلاعات که در اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱، به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر آمده است، اثبات کرد. همچنین، دولت‌های فعال در این حوزه، به منظور مشروعیت

1 . Satellites Remote Sensing (S.R.S)

2 . Prior Consent

بخشیدن به فعالیت‌های خود به مواد ۱، ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد استناد می‌کنند.

۱-۵-۳. استفاده‌های های سنجش از راه دور

امروزه سنجش از راه دور دیگر تنها به عنوان ابزار جاسوسی قدرت‌های پیشگام فضایی محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان یک وسیله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کاربردی، اقتصادی و نظامی مطرح است. در زمینه استفاده‌های نظامی می‌توان به شناسایی، جاسوسی و اخطار در مورد حملات و در کاربردهای غیرنظامی آن می‌توان به هدایت و کمک به کشتیرانی، تحقیقات هواشناسی، باستان‌شناسی، حفاظت از محیط‌زیست، اقیانوس‌شناسی، کویرزدایی، نظارت بر معاهدات، تراکم جمعیتی، توسعه زیرساخت‌های ملی، مدیریت بحران (حفاظت از بشر در برابر بلایای طبیعی) و کشف منابع زیرزمینی اشاره کرد. تعریف اصل ۱ قطعنامه ۱۹۸۶ از سنجش از راه دور، همه کاربردها را در بر نمی‌گیرد. قطعنامه مذکور تکلیفی بر قدرت‌های فضایی سنجش‌کننده تحمیل می‌کند. به این ترتیب که، اگر این کشورها، داده‌ها و اطلاعاتی را در مورد کشورهای در معرض بلایای طبیعی یا محتمل به تأثیر از بلایای طبیعی به دست آورند، موظف هستند که در سریع‌ترین زمان ممکن، به کشور مربوطه منتقل نمایند.^۱

۳-۶. اصل کمک به سرنشینان سفاین فضایی در صورت بروز تصادم، خطر، حوادث پیش‌بینی‌نشده و یا فرود آمدن غیر عمد و اجباری

به این اصل در موافقتنامه ۱۹۶۸ مربوط به نجات فضانوردان، بازگرداندن فضانوردان و اجسام فضایی پرتاب‌شده به فضای خارج از خود^۲ پرداخته شده است. این موافقتنامه در پی مرگ سه فضانورد امریکایی در فضاپیما آپولو و یک فضانورد روسی^۳ در فضاپیما Soyuz- I به تصویب رسید. قبل از این موافقتنامه، ماده ۵

۱. برنامه COSPAS-SARSAT یک سامانه ماهواره ای بین‌المللی است که به وسیله ایالات متحده، کانادا، شوروی و فرانسه ایجاد شد و به تعیین مکان افراد گرفتار شده در حوادث و بلایا، در مناطق دور از دسترس کمک می‌کند. هم‌اکنون ۳۰ دولت به این سامانه پیوسته‌اند.
۲. تا سال ۲۰۰۸، تعداد ۹۰ کشور به این موافقتنامه پیوسته‌اند، از جمله ایران که در سال ۱۹۷۰ به آن پیوست.

معاهده فضا ۱۹۶۷ و ماده ۹ قطعنامه ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل (مصوب ۱۹۶۳)، فضانوردان را بدون توجه به تابعیت، جنس و نژادشان فرستادگان بشریتبه فضای ماورای جو، خوانده بود و تمامی کشورها را در صورت بروز سانحه یا فرود اضطراری در سرزمینشان یا در دریای آزاد و همچنین در شرایط اضطراری ایجاد شده در فضای ماورای جو، در کمک به آنها مکلف دانسته بود. علاوه بر این معاهده فضا وظیفه‌ای را بر فضانوردان تکلیف کرده است. بدین ترتیب که اگر هریک از ایشان متوجه خطری در فضای ماورای جو بر حیات و سلامتی دیگر فضانوردان شوند، باید بدون وقفه آن را به اطلاع دیگر اعضای معاهده و دبیرکل برسانند. این موارد در ماده ۱ معاهده نجات ۱۹۶۸ نیز تکرار شده است.

ماده ۵ معاهده نجات ۱۹۶۸ در پنج بند، به تعهدات مقام پرتاب‌کننده و دولتی که شیء فضایی در قلمرو آن یافت می‌شود، پرداخته است. در این راستا، ابتدای امر دولت اخیر باید مقام پرتاب‌کننده و همچنین دبیرکل ملل متحد را از آن آگاه سازد. این کشور اقدامات موردنظر جهت بازیافتن شیء فضایی و اجزای آن را انجام می‌دهد. البته، کشور پرتاب‌کننده می‌تواند تقاضای مشارکت در این اقدامات را بکند که در این صورت باید اطلاعات مربوط به هویت شیء فضایی را از قبل ارائه دهد و در نهایت تمامی مخارجی که در این فرآیند هزینه خواهد شد، برعهده دولت پرتاب‌کننده است.

۷-۳. اصل مسوولیت بین‌المللی دولت پرتاب‌کننده

مسوولیت بین‌المللی دولت در قبال فعالیت‌های فضایی، در عهدنامه فضا ۱۹۶۷، به طور مطلق پذیرفته شده بود. این مسوولیت در کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲^۱، تا حدی تعدیل شده است. این کنوانسیون میان دو نوع مسوولیت، تفکیک قائل شده است: مسوولیت مطلق یا عینی و مسوولیت ناشی از تقصیر.

۱. این کنوانسیون متعاقب مجروح شدن پنج ملوان ژاپنی در سال ۱۹۶۹، بر اثر برخورد قطعات و تکه‌های فضایی که در سیبری سقوط کرد، تصویب شد. تا سال ۲۰۱۰، ۸۷ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند، از جمله ایران که در سال ۱۹۷۴ به آن پیوست.

طبق ماده ۲ این کنوانسیون، مقام پرتاب‌کننده^۱ به خاطر خسارات ناشی از جسم فضایی متعلق به او، در سطح زمین و یا خسارت وارده به وسایل در حال پرواز، مسوولیت مطلق دارد. اما ماده ۳ این کنوانسیون، مسوولیت مبتنی بر خطا و تقصیر را به واسطه خسارات وارده در مکان دیگری خارج از سطح زمین و یا به اشخاص و اموال واقع در چنین شیء فضایی، لحاظ کرده است. یعنی در مورد اخیر، دولت مذکور زمانی مسوولیت خواهد داشت که خسارت وارده، به سبب اشتباه آن کشور یا اشتباه افرادی باشد که در قبال آن‌ها مسوولیت دارد. تفکیک این دو فرض از هم، بسیار تعجب برانگیز است.

البته در عهدنامه مسوولیت بین‌المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲، تعریف جسم فضایی بحث‌برانگیز است و ایراد اصلی در این است که آیا جسم فضایی پس از سقوط و نقص هم هنوز جسم فضایی است یا اینکه به زباله فضایی تبدیل شده است؟

موضع درستی که در این زمینه مورد تأیید رویه بین‌المللی است، این است که هر جسم فضایی حتی پس از تبدیل آن به زباله فضایی نیز شیء فضایی باقی می‌ماند. این استدلال، در قضیه کاسموس ۹۵۴ به وضوح قابل رویت است (نواده توپچی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

در خسارت فضایی، ارایه درخواست جبران خسارت به دولت پرتاب‌کننده مستلزم این نیست که زیان دیده قبل از آن، به تمامی مراجع داخلی رجوع کرده باشد. همان‌طور که می‌دانیم دولت در صورت تحقق سه شرط زیر، از اتباع خود حمایت دیپلماتیک می‌کند:

۱. تابعیت مدعی، ۲. مراجعه قبلی و مقدماتی مدعی به مراجع داخلی،^۲
۳. پاکدستی مدعی.^۳ می‌بینیم که در مورد خسارات ناشی از فعالیت‌های فضایی قانونگذار استثناء قائل شده است و شرط دوم را تحت شرایطی، نادیده گرفته است.

۱. بر طبق بند (c) ماده ۱ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، کشور پرتاب‌کننده (Launching Authority) کشوری است که: ۱. شیء فضایی را پرتاب می‌کند. ۲. کشوری که زمینه پرتاب آن را فراهم می‌کند. ۳. کشوری که از قلمرو آن، یک شیء فضایی پرتاب می‌شود. ۴. کشوری که از تأسیسات آن، یک شیء فضایی پرتاب می‌شود.

2 . Exhaustion of local Remedies

3 . Clean Hands

تاکنون، تنها یک مورد ادعای خسارت ذیل کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲ به عمل آمده که به دلیل سقوط ماهواره شوروی سابق (کاسموس ۹۵۴) در خاک کانادا در سال ۱۹۷۸ بوده است.^۱

کنوانسیون مسوولیت برای جبران خسارت وارده و طرح دعوی آن یک مرور زمان ده‌ساله در نظر گرفته‌است که این زمان، یک سال پس از تاریخ ورود خسارت یا شناسایی کشور مسوول و یا تاریخ آگاهی دولت زیان‌دیده از خسارت وارده آغاز می‌شود (ماده ۱۰ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲). در صورت گذشت یک سال از تاریخ درخواست و عدم حل و فصل اختلاف، کمیسیون دعاوی مرکب از سه نفر تشکیل می‌شود که رأی این کمیسیون، لازم‌الاجرا نیست.^۲ به علاوه ماده ۱۲ در باب جبران خسارت، علاوه بر این که به اصل «اعاده وضع سابق»^۳ توجه دارد، اذعان می‌کند که تعیین خسارت باید بر طبق حقوق بین‌الملل و اصول عدالت و انصاف^۴ باشد. بند ۲ اصل ۸ قطعنامه مربوط به استفاده از منابع سوخت هسته‌ای در فضای ماورای جو ۱۹۹۲ نیز، همین معیار را برای تعیین میزان خسارت مقرر می‌کند.

۱-۷-۳. مسوولیت بین‌المللی مشترک در فعالیتهای فضایی

هر گاه دو یا چند دولت به طور مشترک مبادرت به پرتاب یک جسم فضایی نمایند، دول مزبور به طور مشترک و یا به تنهایی مسوول کلیه خساراتی که ممکن است از این پرتاب ناشی گردد، خواهند بود (مواد ۴ و ۵ کنوانسیون مسوولیت

۱ . کاسموس ۹۵۴ حامل یک راکتور هسته‌ای با مقادیر بسیاری از مواد رادیو اکتیو ، در نزدیکی یک شهر شلوغ و پرجمعیت در کانادا سقوط کرد. کانادا بابت هزینه‌هایی که برای مبارزه با آلودگی ناشی از سقوط «کاسموس ۹۵۴» انجام داده بود، مجموع ۶/۰۴۱/۱۷۴ دلار و ۷۰ سنت مطالبه خسارت کرد. در نهایت با امضای یک پروتکل در سال ۱۹۸۱، مبلغ ۳ میلیون دلار کانادایی از سوی دولت شوروی به دولت کانادا پرداخت شد و قید گردید که این مبلغ به منظور حل و فصل کامل تمامی موضوعات مرتبط با سقوط ماهواره «کاسموس ۹۵۴» می‌باشد.

۲ . البته دولت‌ها در هنگام پیوستن به کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، می‌توانند اعلامیه‌ای بر این مبنای صادر کنند که در مقابل دولت‌هایی که چنین اعلامیه‌ای صادر کنند، آرای کمیسیون برایشان لازم‌الاجرا خواهد بود (ماده ۱۹). تاکنون ۹ دولت چنین اعلامیه‌ای صادر کرده‌اند.

3 . Restitutions in Integrum

4 . Ex aequo et bono

۱۹۷۲).^۱ این مسوولیت مشترک در دو حالت متصور است: نخست زمانی است که در یک پرتاب، لفظ پرتاب‌کننده بر دو کشور اطلاق شود و دوم زمانی که در سانحه‌ای فضایی دو یا چند کشور مقصر باشند. تعیین میزان تقصیر هر کشور در خسارت پرداختی ایشان دخیل است، ولی زیان دیده می‌تواند برای تمام خسارت به هر کدام از آن‌ها مراجعه کند (مسوولیت تضامنی) و کشوری که خسارت را جبران می‌کند نیز می‌تواند پس از جبران مبلغ خسارت، مدعی دریافت خسارت در پرتاب از سایر کشورهای پرتاب‌کننده شود.

میزان تعهد هر یک از کشورها به جبران خسارت به تناسب خطایی است که مرتکب شده‌اند. در عین حال، در صورت ممکن نبودن تعیین حد غرامت هر یک از این کشورها، این مبلغ به طور مساوی بر ذمه ایشان قرار می‌گیرد. مسایلی چون پرتاب‌های ماهواره از سکوه‌های شناور در دریای آزاد، تعیین دولت مسوول را، با مشکل مواجه می‌کند و شاید بحث مسوولیت مشترک را هم، مطرح کند. نخستین مورد از این پرتاب‌ها در ۲۷ مارس ۱۹۹۹ توسط کنسرسیوم پرتاب دریایی صورت گرفت که شرکت آمریکایی BOING، سرمایه‌گذار اصلی قرارداد پرتاب بود و راکت‌های اوکراین مورد استفاده قرار گرفتند، در حالی که سکوی پرتابی که متعلق به یک شرکت نروژی (Kvaerner) بود، در استوا نصب شد (خسروی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). این مسوولیت مشترک ممکن است به وسیله قرارداد بین‌المللی^۲ خدمات پرتاب، برای هر یک از طرفین پرتاب‌کننده، تعدیل شود. ضمناً بیمه نیز می‌تواند فشار خسارت‌های شدید فضایی را کاهش دهد. این بیمه در برخی کشورها اجباری است. قانون فضای ماورای جو کشور انگلستان (۱۹۸۶)، به وزیر دولت اجازه می‌دهد که بیمه اشیای فضایی را اجباری کند، که این رویه در کشور انگلستان، امری متداول است. طبق قانون ایالات متحده نیز، بیمه مسوولیت، اجباری است، البته به شرط پذیرش شرکت بیمه به نسبت ریسک آن (Lyall & Larsen, 2009: 114).

۱. طبق کنوانسیون رم ۱۹۵۲، در مورد خسارت وارده بر اشخاص ثالث داخل هواپیما نیز، قاعده مسوولیت مشترک اعمال می‌شود.

۲-۷-۳. مسوولیت بین‌المللی دولت در قبال عمل غیر

طبق ماده ۸ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، صرفاً یک دولت می‌تواند در قبال فعالیت‌های فضایی درخواست خسارت کند، حال چه خود صدمه دیده باشد و چه اشخاص یا شرکت‌های خصوصی که از آن کشور، مجوز فعالیت فضایی گرفته‌اند. پس تنها یک دولت، محقّ به این مهم می‌باشد. البته این دولت، می‌تواند دولتی باشد که خسارت‌دیده در قلمرو آن متحمل خسارت شده است. در صورتی که کشور متبوع وی چنین درخواستی را نکرده باشد و در نهایت طبق بند ۳ همین ماده، اگر هیچ‌کدام از دو کشور مذکور درخواست خسارت نکنند، کشوری که فرد زیان دیده در آن، اقامت دایم دارد، چنین حقی پیدا می‌کند

حتی درخواست خسارت ناشی از فعالیت‌های فضایی که به یک سازمان بین‌المللی وارد می‌شود نیز، باید به وسیله یک دولت عضو آن سازمان مطرح شود. این عضو، باید کشوری باشد که در آن زمان، طرف کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲ نیز باشد. در عین حال، کنوانسیون مزبور در حالتی که هیچ‌کدام از کشورهای عضو سازمان خسارت‌دیده، به کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲ نپیوسته باشند، تعیین تکلیف نکرده است.^۱

همچنین در هر ورود خسارتی، یک دولت مسوول تلقی می‌شود، خواه آن تخلف از سوی یک نهاد دولتی یا غیردولتی یا شخص خصوصی واقع شود (ماده ۶ معاهده فضا ۱۹۶۷ و اصل ۱۴ قطعنامه مربوط به سنجش از راه دور ۱۹۸۶). رویه مفروض در کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲ در زمینه حمایت دیپلماتیک دولت از اشخاص خصوصی و شرکت‌ها، تاحدودی با رویه مذکور در حقوق بین‌الملل عمومی متفاوت است. طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن، دولتی که شرکت تابعیت آن را دارد، حق دارد که به نفع آن شرکت دعوا اقامه نماید، حتی اگر آن شرکت در کشور خارجی فعالیت کند و سهامداران خارجی آن را اداره کنند. اما رویه اتحادیه اروپا تاحدودی به آن نزدیک است. طبق این رویه،

۱. طبق بند ۱ ماده ۲۲ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، این کنوانسیون زمانی سازمان بین‌المللی را نیز تحت حمایت قرار می‌دهد که آن، موافقت خود را با پذیرش حقوق و تکالیف مندرج در کنوانسیون اعلام کند و اکثریت کشورهای عضو آن، طرف کنوانسیون مسوولیت و معاهده فضا باشند.

هر شهروند اتحادیه اروپا می‌تواند از هر یک از دولت‌های عضو اتحادیه، درخواست حمایت دیپلماتیک نماید مشروط به آن که دولت متبوع وی، در کشوری که حقوق آن شهروند را نقض شده است، نمایندگی دیپلماتیک نداشته باشد (والاس، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

۱-۲-۷-۳. مسوولیت بین‌المللی دولت عضو در قبال سازمان بین‌المللی

ماده ۲۲ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، (که در واقع تکرار و تایید ماده ۶ معاهده فضا می‌باشد) با توسل به نظریه نظارت و کنترل در انتساب مسوولیت به دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی، مقرر می‌کند که اگر یک سازمان، مسوول ورود خسارت باشد، سازمان مزبور و آن عده از اعضای آن که نماینده کشورهای طرف این کنوانسیون هستند، تحت شرایطی، به طور مشترک و یا به تنهایی مسوول می‌باشند. بدین ترتیب که طرف زیان دیده در ابتدا به سازمان بین‌المللی مذکور مراجعه می‌کند، اگر پس از گذشت شش ماه از تعیین مبلغ خسارت، سازمان مسوول، آن مبلغ را پرداخت نکرده باشد، زیان دیده می‌تواند به اعضای از این سازمان که نماینده کشورهای طرف این کنوانسیون هستند، مراجعه کند. چنین مسوولیتی در قطعنامه اصول حاکم بر ماهواره‌های پخش مستقیم ۱۹۸۲، برای سازمان‌های بین‌المللی که اقدام به پخش مستقیم تلویزیون بین‌المللی از طریق ماهواره نمایند نیز، فرض شده است. در این فرض بر خلاف کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، مسوولیت سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو آن در طول هم قرار ندارد. بدین صورت که در کنوانسیون مسوولیت، زیان دیده ابتدا باید به سازمان مزبور مراجعه می‌کرد و در صورت عدم حصول نتیجه به دولت‌های عضو آن. ولی در قطعنامه ۱۹۸۲ این مسوولیت هم‌زمان هم بر عهده سازمان و هم بر دولت‌های عضو آن خواهد بود. قطعنامه اصول مربوط به استفاده از منابع سوخت هسته‌ای در فضای ماورای جو ۱۹۹۲، رویه قطعنامه پیش از خود را در پیش گرفته است (مسوولیت عرضی سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو آن).

۲-۷-۳. مسوولیت بین‌المللی دولت در قبال اشخاص و شرکت‌های

خصوصی

همچنین دولت‌ها در قبال اشخاص و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی که تحت مجوز و نظارت مستمر آن‌ها، به فعالیت‌های فضایی می‌پردازند، مسوولیت بین‌المللی دارند (ماده ۶ معاهده فضا ۱۹۶۷ و ماده ۱۴ معاهده ماه ۱۹۷۹).

از سال ۱۹۷۹، معاهده یا موافقتنامه جدیدی در خصوص فضای ماورای جو، از سوی سازمان ملل متحد به وجود نیامده است. به علاوه اعطای مجوز و بحث نظارت اشخاص خصوصی و عمومی که در صورت ایراد خسارت فضایی، بار مسوولیت‌شان بر دوش دولت است، قانونگذاری داخلی در زمینه حقوق فضا را اجتناب ناپذیر کرده است. به عنوان مثال، در قانون فعالیت‌های فضایی ۱۹۹۸ استرالیا، سه نوع مجوز وجود دارد: مجوزنامه‌های فضایی^۱، مجوزهای پرتاب^۲، گواهینامه‌های پرتاب از دریای آزاد^۳. یک مجوزنامه فضایی به فعالیت‌های سایت‌های پرتاب استرالیایی اعطاء می‌شود و یک مجوز پرتاب، به پرتاب یک شیء فضایی خاص یا مجموعه‌ای معین از پرتاب‌های اشیای فضایی که به وسیله هر شخص، از سرزمین استرالیا صورت گیرد، اعطاء می‌شود. یک گواهینامه پرتاب از دریای آزاد، برای پرتاب‌های خارج از استرالیا که اتباع استرالیایی به واسطه آن مسوول شناخته می‌شوند، لازم شمرده می‌شود (Trepczynski, 2007: 232). البته برخی از قوانین فضایی ملی با قوانین بین‌المللی کاملاً سازگار نیستند. قانون کشور نروژ، به سبب این که در سال ۱۹۶۹ و پیش از ایجاد کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲ و کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵ به وجود آمده است، چنین وضعیتی دارد (G. Von der Dunk, 2001: 114).

۳-۷-۳. عدم مسوولیت بین‌المللی دولت در صورت ورود خسارت

طبق ماده ۶ کنوانسیون مسوولیت ۱۹۷۲، خسارات ناشی از فعالیت‌های فضایی کشور پرتاب‌کننده به دیگری، در دو حالت ایجاد مسوولیت نمی‌کند:

- 1 . Space licenses
- 2 . Launch permits
- 3 . Overseas launch certificates

نخست آن که، خسارت وارده به اتباع کشور زیان زننده و خسارت وارده به اتباع خارجی دخیل در پرتاب، بدون جبران می ماند و مسوولیتی برای دولت خاطی متصور نیست. دومین مورد زمانی است که دولت پرتاب کننده بتواند تقصیر دولت زیان دیده را در ورود زیان اثبات کند، که در این صورت، از مسوولیت مطلق معاف خواهد بود. البته اگر دولت پرتاب کننده اقدامی مغایر با قوانین و مقررات بین المللی از جمله منشور و معاهده فضا انجام دهد، دیگر معافیتی در کار نخواهد بود، حتی اگر خطای زیان دیده را به اثبات برساند. همچنین سازمان های بین المللی نیز می توانند مقام پرتاب کننده تلقی شوند.

۸-۳. اصل ثبت قبلی هر جسم پرتاب شده به فضا

پس از این که سیستم اولیه ثبت داوطلبانه و اختیاری به اندازه کافی مورد استقبال قرار نگرفت، کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵ مقرر داشت که دولت پرتاب کننده باید پرتاب هر جسم به فضا و هدف مورد نظر آن را در دفتر ثبت عمومی که به وسیله دبیرکل ملل متحد معین می شود، به ثبت رساند (والاس، ۱۳۹۰: ۱۴۴). البته طبق این کنوانسیون سازمان های بین المللی نیز می توانند به نام خود سفینی را به ثبت برسانند (ماده ۷)، مشروط بر این که سازمان مزبور، موافقت خود را با پذیرش حقوق و تکالیف مقرر در کنوانسیون اعلام کند یا اکثریت کشورهای عضو آن، طرف کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵ و معاهده فضا ۱۹۶۷ باشند. همچنین دولت ها موظف به ثبت اطلاعات ماهواره های خصوصی هستند که با مجوز و تحت نظارت مستمر آن ها به فعالیت فضایی می پردازند.

هر کشور پرتاب کننده که یک شیء فضایی را به مدار زمین یا ماورای آن پرتاب می کند باید با اطلاع به دبیرکل ملل متحد آن را به ثبت برساند. اطلاعات ارسالی برای دبیرکل، شامل نام دولت یا دولت های^۱ پرتاب کننده، عنوان دقیق شیء فضایی

۱. طبق بند ۲ ماده ۲ معاهده ثبت ۱۹۷۵، ثبت مشترک شیء فضایی ممکن نیست و منظور از «کشورهای پرتاب کننده» مذکور در ماده ۴، این است که مثلاً در یک پرتاب، کشوری به واسطه مالکیت سفینه، پرتاب کننده محسوب می شود و کشور دیگر به واسطه محل پرتاب. ولی در هر صورت این سفینه با توافق دولت های مذکور، به نام یکی از آن ها ثبت خواهد شد. لازم به ذکر است که ماده ۱۸ کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ نیز، ثبت مشترک هواپیما را ممنوع اعلام کرده است.

یا شماره ثبت آن، تاریخ و محل پرتاب، پارامترهای اساسی مداری، از جمله: درجه انحراف،^۱ دوره سیر،^۲ دورترین نقطه از زمین در مدار ماه،^۳ نزدیک‌ترین نقطه به زمین در مدار ماه^۴ و هدف از مأموریت می‌شود.

به علاوه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ طی قطعنامه‌ای با نام توصیه‌هایی برای توسعه فعالیت‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در ثبت اشیای فضایی، از نقاط مبهم ثبت اشیاء فضایی پرده بر می‌دارد. از جمله این توصیه‌ها، تکالیف دولت پرتاب‌کننده در ارائه اطلاعات در زمینه تعیین یا تغییر مالک جدید شیء فضایی و تاریخ آن، هرگونه تغییر در وضعیت و کاربرد شیء فضایی، هرگونه تغییر در موقعیت مداری، ارائه اطلاعات پرتاب از طریق سایت دولت پرتاب‌کننده و یا ثبت جداگانه هر شیء فضایی در پرتاب‌های مشترک می‌باشند.

ثبت اجسام فضایی، وسیله‌ای برای تسهیل شناسایی و تعیین هویت اجسام تلقی می‌شود. در این صورت، هم در صورت ورود خسارت، مسوول حادثه قابل شناسایی خواهد بود و هم زمانی که شیء فضایی تبدیل به زباله فضایی شود (نژندی منش و بابایی و یعقوبی، ۱۳۹۰: دیباچه). این عمل، در تنظیم عبور و مرور و ترافیک فضایی نیز موثر خواهد بود. ضمناً کمیته علمی و فنی کوپوس (کمیته راجع به استفاده صلح‌آمیز از فضا) در مورد درج علایم بر بدنه سفینه‌های فضایی به منظور متمایز ساختن آن‌ها از یکدیگر، در سال ۱۹۶۷ تحقیقاتی انجام داد و پس از آن طی گزارشی اذعان داشت که: یک سیستم علامت‌گذاری که بتواند در تماس با جو زمین مقاوم کند، فعلاً عملی نیست (صفوی، ۱۳۷۲: ۱۹۴).

۹-۳. اصل همکاری بین‌المللی در فعالیت‌های فضایی

کشور پرتاب‌کننده این امکان را ندارد که صرفاً از سرزمین خود به رصد کردن کنش‌های ماهواره پرتابی خود بپردازد، بلکه باید از سرزمین‌های دیگر و امکانات دیگر کشورها

1 . Nodal Period
2 . Inclination
3 . Apogee
4 . Perigee

کمک بگیرد. پس کشورهای پرتاب‌کننده، حق استفاده از خدمات پایگاه‌های کسب اطلاعات در سراسر دنیا را دارند. طبق ماده ۱۰ کنوانسیون فضا ۱۹۶۷، کشورهای طرف معاهده باید به منظور همکاری بین‌المللی، درخواست‌های کشورهای طرف معاهده برای فرصت مشاهده پرواز اشیای پرتابی آن کشورها را به شیوه‌ای برابر و بدون تبعیض پاسخ دهند (این اصل در مواد ۳ و ۹ این معاهده نیز آمده است).

کنترل فضا به دلیل برقراری امنیت جهانی، منطقی بودن همکاری بین‌المللی فضایی را به منظور افزایش یافته‌های مثبت دوجانبه، برجسته می‌کند. در حالی که فعالان فضایی می‌توانند به واسطه همکاری، هزینه و همچنین مزایای منفی کمتری را به واسطه کاهش خطرات مداخله ناشی از بی دقتی و اقدامات عمدی متحمل شوند (Gallagher, 2010: 258).

به اصل همکاری متقابل، تقریباً در تمامی اسناد و معاهدات فضا اشاره شده است. ماده ۵ معاهده فضا (۱۹۶۷)، با معرفی فضاپیمايان به عنوان فرستادگان بشریت به فضای ماورای جو بر تمامی کمک‌ها و همکاری‌های ممکن در صورت وقوع حادثه و خطر یا فرود اضطراری در سرزمین دولت دیگر و یا فرود در دریای آزاد تأکید می‌کند. ماده ۶ قطعنامه اصول حاکم بر ماهواره‌های پخش مستقیم ۱۹۸۲ اذعان می‌دارد که این همکاری باید تابع برنامه‌ریزی مناسب، به منظور سرعت‌بخشیدن به توسعه ملی کشورهای در حال توسعه باشد. اصل ۵ قطعنامه مربوط به سنجش از راه دور ۱۹۸۶ نیز، به همکاری بین‌المللی دولت‌ها در سنجش از راه دور زمین از فضا، بر اساس شرایط عادلانه و پذیرش دوجانبه، حکم می‌کند.

۱۰-۳. اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات فضایی

به اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات فضایی که از اصول مسلم حقوق بین‌الملل عمومی است، در معاهدات فضایی تصریح شده است. در عین حال، اصل مذکور در ماده ۷ قطعنامه اصول حاکم بر ماهواره‌های پخش مستقیم ۱۹۸۲، اصل ۱۵ قطعنامه سنجش از راه دور ۱۹۸۶ و اصل ۹ قطعنامه مربوط به استفاده از منابع سوخت هسته‌ای در فضای ماورای جو مصوب ۱۹۹۲ آمده است. معاهده

مسئولیت ۱۹۷۲، در مورد حل و فصل دعاوی خسارت وارده از فعالیت‌های فضایی، روش مذاکرات دیپلماتیک را پیشنهاد کرده است و اگر پس از گذشتن یک سال از مذاکرات، نتیجه‌ای حاصل نشد، کمیسیون رسیدگی، تصمیم‌گیری خواهد کرد. به علاوه پاراگراف‌های ۲ و ۳ ماده ۱۵ معاهده ۱۹۷۹ راجع به ماه و اجرام سماوی مقرر می‌کند که در صورت اختلاف فی‌مابین دو دولت عضو در خصوص رعایت این معاهده، دولت‌های مزبور باید بدون تأخیر اقدام به مشاوره نمایند. در صورت عدم نیل به نتیجه، دولت عضو برای حل و فصل اختلاف می‌تواند متقاضی کمک و همیاری دبیرکل سازمان ملل متحد شود، بدون این که به رضایت هیچ یک از دولت‌های ذی‌ربط نیاز باشد (کک دین و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۷۶).

۱۱-۳. اصل حفظ محیط‌زیست در فضای ماورای جو

اصل حفظ محیط‌زیست در فضا آن قدر پر اهمیت و حیاتی است که در اغلب معاهدات، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی که به مقوله فضا پرداخته‌اند، این موضوع به چشم می‌خورد. بند ۳ ماده ۵ و ماده ۹ معاهده فضا ۱۹۶۷، بند ۴ ماده ۵ موافقتنامه مربوط به نجات و بازگرداندن فضاوردان ۱۹۶۸، ماده ۲ کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲، ماده ۴ کنوانسیون ثبت ۱۹۷۲، بند ۱ و بند ۲ ماده ۷ معاهده ماه ۱۹۷۹، قطعنامه ۱۹۶۲ در سال ۱۹۶۳، اصل ۱۰ قطعنامه سنچس از راه دور مصوب ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل، جملگی مصداق‌هایی در تأیید ادعای فوق‌اند. در بحث محیط‌زیست و فعالیت‌های فضایی دو بحث از هم قابل تفکیک‌اند. نخست این که فعالیت‌های فضایی تا چه حد به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کنند و دوم این که، این فعالیت چه زبان‌هایی برای محیط‌زیست دارد. شایان ذکر است که خود فضا، جزیی از محیط‌زیست است و تمامی قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد محیط‌زیست، شامل این منطقه نیز می‌شود.

۱۱-۳-۱. آسیب‌های فعالیت‌های فضایی به محیط‌زیست

جسم فضایی با توجه به مأموریت محوله، آثاری از خود به جای می‌گذارد (زباله‌های

فضایی) و خود نیز پس از مدتی به زباله فضایی تبدیل می‌شود. این زباله های رو به افزایش، که با سرعت ۱۷۰۰۰ مایل در هر ساعت (یعنی سرعتی برابر با سرعت ماهواره‌ها و سفینه های فضایی) گردش می‌کنند، به مانعی جدی در فعالیت‌های فضانوردی تبدیل شده‌اند و گهگاه نیز، با سقوط به زمین مشکلاتی ایجاد می‌کنند. حقوق بین‌المللی فضا، تاکنون هیچ تعریفی از زباله‌های فضایی ارائه نکرده است. در مجموع حدود ۱۵۰ میلیون قطعه زباله فضایی در فضا وجود دارد که از اندازه کوچک‌تر از یک سانتی‌متر آغاز می‌شوند. این زباله‌ها حتی قادرند اشیای فضایی بزرگ‌تری همچون ماهواره را از بین ببرند (Hobe, 2012: 1).

ماده ۹ معاهده فضا ۱۹۶۷ در مورد حفاظت از محیط‌زیست در زمینه آلودگی‌های بیولوژیکی، الزامی دوگانه را اعمال می‌کند که اعضا، اکتشافات فضایی‌شان را طوری انجام دهند تا از آلودگی پیش رو و آلودگی پشت سر اجتناب شود و هر جا ضروری باشد، اقدامات مقتضی در این خصوص را به عمل آورند (نواده توپچی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). در حال حاضر، حمل نقل فضایی بیشترین تأثیر مخرب زیست‌محیطی را دارد. این تردد ها خطر بسیار بالای تصادف در فضا را در پی دارد و همچنین، زباله و آشغالهای زیادی به وجود می‌آورند که تأثیرات مخربی هم بر فضا و هم زمین خاکی دارد، در حالی که فعالیت‌های ارتباطاتی در فضا، کم‌ترین تهدید را برای محیط‌زیست دارد. ضمناً لایه ازون و آسیب‌های وارده به آن در نتیجه فعالیت‌های فضایی قابل‌ذکر است، با این توضیح که فاصله لایه ازون از زمین حداکثر ۵۰ کیلومتر است و در محدوده فضای ماورای جو قرار نمی‌گیرد.

۲-۱۱-۳. فعالیت‌های فضایی و کمک به حفظ محیط‌زیست

کنفرانس ۱۹۹۲ ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه، تصدیق نمود که مشاهده داده‌های زمین، ابزاری اساسی برای مدیریت توسعه پایدار هستند و ماهواره‌های سنجش از دور تنها ابزار موثر جمع‌آوری نظام‌مند اطلاعات پایه‌ای در مورد محیط‌زیست با یک میزان و مقیاس مناسب می‌باشد.

امروزه S.R.S. یا ماهواره‌های سنجش از راه دور، خدمات ارزنده‌ای در زمینه

محیطزیست از طریق هشدار ابتدایی آلودگی زمین، دریا و هوا و بلایای طبیعی چون فوران‌های آتشفشانی و میزان خسارت وارد شده ارایه می‌کند. حفاظت بشر از بلایای طبیعی نیز در این باب مطرح می‌شود. اصل ۱۱ قطعنامه سنجش از راه دور ۱۹۸۶، این امر را تشویق می‌کند. طبق این اصل، کشورهای شرکت‌کننده در سنجش از راه دور که به اطلاعاتی در زمینه بروز بلایای طبیعی در کشوری پی برده‌اند، مکلفند آن را در سریع‌ترین زمان ممکن به کشور مزبور منتقل کنند.

نتیجه‌گیری

دستیابی بشر به فضای ماورای جو و فعالیت‌های عدیده انجام‌گرفته در این منطقه، مسایل حقوقی بی‌شماری در حوزه حقوق بین‌الملل به وجود آورده‌است. جامعه بین‌المللی در تبیین نظام حقوقی فضای ماورای جو سعی بر این داشته‌است تا همگام با فن‌آوری‌های فضایی حرکت کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از کشف و انجام فعالیت فضایی جدید، به قانونمند کردن آن بپردازد. بدین ترتیب که نخست بیشتر به مسایلی از جمله کلیت نظام حقوقی فضای ماورای جو، عدم تملک اختصاصی و غیرنظامی کردن این منطقه پرداخته می‌شد. در ادامه به مسایلی چون فعالیت‌های تجاری در فضا، نجات فضانوردان، مسوولیت فعالان فضایی و ثبت سفاین پرداخته شد. تبیین مسایل حقوقی مواردی چون زباله‌های فضایی، مالکیت معنوی داده‌های ماهواره‌ای^۱، فعالیت اشخاص و شرکت‌های خصوصی و مسوولیت آن‌ها در قبال ورود خسارت و توریست فضایی از جمله مسایل جدیدی است که نیازمند توجه است. البته این ایراد بر نظام حقوقی کنونی فضایی وارد است که ناشی از تفکرات کشورهای پیشگام فضایی و در جهت حفظ منافع آن‌هاست و به منافع سایر کشورها توجهی نشده است.

با توجه به نیازهای مبرم جامعه بین‌المللی نسبت به مسائل جدید حقوق فضا، بیش از ۳۳ سال است (از سال ۱۹۷۹) که معاهده‌ای بین‌المللی در این زمینه

تصویب نشده است و این ضرورت به شدت احساس می‌شود. با این حال، اصول مربوط به نظام حقوقی فضای ماورای جو، در نظام‌دهی حقوقی به این منطقه بسیار موثر بوده است، اصولی چون مسوولیت مطلق کشور پرتاب‌کننده در ورود خسارت (یعنی حتی در حالت فورس‌ماژور هم مسوولند)، ثبت اشیای فضایی، غیرنظامی بودن و صلح‌آمیز بودن این منطقه و استخراج منابع این منطقه به نفع کل بشریت، نشان از توجه و اهتمام ویژه جامعه بین‌المللی به این منطقه دارد. در عین حال، با گذشت زمان و کسب مقبولیت عام، اغلب این اصول به قواعد الزام‌آور عرفی تبدیل شدند که حتی در مقابل دولت‌های غیرعضو نیز قابل اجرا هستند. *



کتابنامه

منابع فارسی

- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، انتشارات مجد.
- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۸۹). *جزوه کلاسی حقوق بین‌الملل عمومی ۲*، دانشگاه شهید بهشتی.
- چرچیل، رابین و لو، آلن. (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه بهمن آقایی، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- حیدری، مسعود. (۱۳۴۲). «حقوق فضا(۲)»، *مجله حقوق امروز*، ۲، صص ۵۷-۵۴.
- حیدریان، محمود. (۱۳۵۱). «اصول اساسی حقوق فضا(۲)»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۱۰ و ۱۱، صص ۷۸-۶۳.
- خزایی، سعید (۱۳۹۰) «نظام حقوقی حاکم بر به کارگیری سامانه های ناوبری ماهواره ای جهانی (GNSS)»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۳۲، صص ۱۱۲-۶۶.
- خسروی، مجید. (۱۳۸۱). *هوافضا از دیدگاه حقوقی*، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۰) «تسخیر فضا به وسیله ماهواره‌ها از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *نشریه حقوق بین‌الملل و بخش مستقیم برنامه های ماهواره ای*، تهران، انتشارات سروش.
- صفوی، سیدحسن. (۱۳۷۲). *حقوق بین‌المللی هوایی و فضایی*، تهران، چاپخانه اقبال توانا.
- طلایی، فرهاد و منصوری، فرنگ تاج (۱۳۸۵) «نگرشی جدید به وضعیت حقوقی قطب جنوب : قطب جنوب به عنوان میراث مشترک بشریت»، *نشریه مدرس علوم انسانی*، ۴۷، صص ۹۷-۱۲۵.
- کک دین، نگوین، دیبیه، پاتریک و پله، آلن. (۱۳۸۲). *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه محسن حبیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
- محمودی، سیدهادی (۱۳۹۰) «تاثیر فناوری های علمی بر توسعه و تحول حقوق

بین‌الملل فضایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق*، ۳۲، صص ۲۹۹-۳۳۶.
محمودی، سیده‌ادی. (۱۳۹۰). *تصویربرداری ماهواره ای در حقوق بین‌الملل*،
تهران، انتشارات شهر دانش با همکاری سازمان فضایی ایران: پژوهشگاه هوافضا.
مقندر، هوشنگ. (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات
وزارت امور خارجه.

موسی زاده، رضا. (۱۳۸۳). *بایسته های حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، نشر
میزان.

نژندی منش، هیبت الله و بابایی، یوسف و یعقوبی، اسماعیل. (۱۳۹۰). *مجموعه
اسناد حقوق بین‌الملل فضایی*، تهران، انتشارات خرسندی.

نواده توپچی، حسین (۱۳۸۶) «رژیم حقوقی فضای ماورای جو زمین و چالش های
پیش روی آن»، نشریه راهبرد، ۴۶، صص ۳۳۸-۳۰۵.

نواده توپچی، حسین. (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل فضا*، تهران، انتشارات خرسندی.
والاس، ربکا. (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل*، ترجمه سیدقاسم زمانی، تهران، انتشارات
شهر دانش.

هوهن فلدن، زایدل. (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه سیدقاسم
زمانی، تهران، انتشارات شهر دانش.

منابع لاتین

Bourbonniere, Michel and Lee, Ricky J. 2008. "Legality of the Deployment
of Conventional Weapons in Earth Orbit: Balancing Space Law and the
Law of Armed Conflict," *The European Journal of International Law*,
Vol. 18, No. 5, pp. 873-901.

Bouvet, Isabelle. 2004. "Use of Nuclear Power Sources in Outer Space:
Key Technology Legal Challenges," *Journal of Space Law*, Vol. 30, No.
2, pp. 203-226.

De Man, Philip. 2010. "The Exploitation of Outer Space and Celestial

Bodies – A Functional Solution to the Natural Resource Challenge,” *Leuven Centre for Global Governance Stud, Working Paper*, No. 50, pp. 1-28.

Dolzer, Radulf. 1985. “International Co-operation in Outer Space,” *Zeitschrift fur ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht*, Vol. 45, pp. 527-546.

von der Dunk, Frans G. 2001. “Vikings First in National Space Law: Other Europeans to Follow the Continuing Story of National Implementation of International Responsibility and Liability,” *University of Nebraska - Lincoln, Space and Telecommunications Law Program Faculty Publications*, Paper 39, pp. 111-122.

Gallagher, Nancy. 2010. “Space Governance and International Cooperation,” *University of Maryland, Journal Astropolitics*, Vol. 8, No. 2, pp. 256-279.

Hobe, Stephan. 2012. “Environmental Protection in Outer Space: Where We Stand and What Is Needed to Make Progress With Regard to the Problem of Space Debris,” *The Indian Journal of Law and Technology*, Vol. 8, pp. 1-10.

Lyll, Francis and Larsen, Paul B. 2009. *Space Law A Treatise*, Ashgate Publishing Company.

Trepczynski, Susan 2007. “The Effect of The Liability Convention on National Space Legislation,” *Journal of Space Law*, Vol. 33, No. 1, pp. 221-243.